

---

## The comparative study of the physical individual historical houses in a range of the historical and the cultural region of Tabriz

---

\*Sabereh Leilasi Marand<sup>1</sup>, Parisa Hashempour<sup>2</sup>

<sup>1</sup> M.Sc Student of Islamic Architectural Engineering, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

<sup>2</sup> Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

(Received 15 May 2021, Accepted 21 Aug 2021)

Physical individualization means a set of attributes and properties that create a special meaning for each space, what identifies the body are the same characteristics that make it different from others. The unique attributes and characteristics of each space that act together as a set, distinguish a body and distinguish it from others. The purpose of this study is to identify the factors affecting the physical identification of houses and to achieve the evolution of the physical individualization of historic houses in the eighth district of Tabriz. At the beginning of the article, the definitions of individualization are stated from the perspectives of different thinkers, and then, according to the theoretical foundations, the components of physical individualization of houses are obtained to analyze a case study. Factors affecting physical identification can be divided into two categories of physical and human factors. In physical factors, using descriptive-analytical research method and based on Schultz theory, it was studied in three levels of exposure (typology, morphology, and topology). Based on the typology formed in an area of the eighth district of Tabriz, historical houses from the point of view of physical typology were classified into two main types of Qajar and first Pahlavi houses. Historical houses were studied according to the theoretical foundations of the research from the perspective of morphology and topology. Based on the findings, the distinguishing component of physical identification in the second type in terms of morphology (which includes the variety of openings and arches, variety of floor alignment, variety of decorations, details and materials used in interior and exterior and exterior views of the building and its architectural form) and

spatial diversity, heat diversity and diversity of function and spatial arrangement of the components of topology have decreased compared to Qajar. The variety of light and the scale of the spaces were somewhat equal in the two species. The human component can be divided into two components: the architect and the residents or owners. Two internal and external factors affect an architect's work of art. Due to the lack of information about the architect and the inhabitants of historical houses, these two internal components cannot be examined and external factors affecting the architect, including the social, political and cultural conditions of the Qajar and first Pahlavi eras, have been examined. In the Qajar and first Pahlavi periods, due to the developments that took place in various political and cultural fields, major differences in values, thoughts, tendencies and methods of architecture and urban planning have emerged. This diversity is reflected in the architecture of residential buildings. The study of political and social developments of the Qajar and first Pahlavi periods of the study area in terms of external factors affecting the architect and residents, confirms the claim that in general the physical identification of Qajar historical houses in the eighth region of Tabriz is more transparent than the first Pahlavi houses in that area. It is more specific and the evolution of houses has shifted to simplicity.

**Keywords:** Physical individualization, Historical houses, Historical and cultural region of Tabriz Comparative study.

---

\* Corresponding author. E-mail: p.hashempour@tabriziau.ac.ir



## مطالعه تطبیقی تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی محدوده‌ای از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز\*

صابره لیلاسی مرند<sup>۱</sup>، پریسا هاشم‌پور<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۲. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰)

### چکیده

تشخیص کالبدی، به معنای مجموعه صفاتی است که برای هر فضا معنای خاصی به وجود می‌آورد، آنچه به کالبد تشخیص می‌دهد، همان ویژگی‌هایی است که آن را از غیر خود متمایز می‌کند و فضا را نسبت به سایرین ممتاز و ارجح می‌کند. خانه یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال اصلی‌ترین گونه معماری است و معماران در تلاش هستند، با ارجاع به مفاهیم و بهره‌گیری از بناهای تاریخی ارزشمند، به کیفیت مطلوبی از خانه‌ها دست یابند. مطالعه حاضر در پی یافتن عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی خانه‌ها است تا به این منظور چارچوب مشخصی جهت بررسی سیر تحول تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی محدوده‌ای از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز ارائه دهد. در این پژوهش، از روش توصیفی تحلیلی برای شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر تشخیص کالبدی و روش مقایسه تطبیقی، جهت بررسی تحولات تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی را می‌توان به عامل کالبدی (عوامل متمایزکننده کالبد) و عوامل انسانی (معمار، ساکنان و صاحبان) تقسیم کرد. عوامل کالبدی بر پایه نظریه شولتز در سه سطح مواجهه با آن (گونه‌شناسی، سیماشناسی، موضع‌شناسی) مورد بررسی قرار گرفت که در این بررسی تشخیص کالبدی در گونه پهلوی اول از لحاظ سیماشناسی و موضع‌شناسی نسبت به گونه قاجار کاهش یافته است. نتایج به دست آمده از بررسی عوامل انسانی، تأییدی بر این مدعا است که در مجموع خانه‌های قاجار محدوده‌ای از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز نسبت به خانه‌های پهلوی اول آن منطقه متشخص‌تر است و سیر تحول خانه‌ها به سمت سادگی و عدم تشخیص گرویده است.

### واژگان کلیدی

تشخیص کالبدی، خانه‌های تاریخی، منطقه تاریخی فرهنگی تبریز، مطالعه تطبیقی.

\* این مقاله مستخرج از رساله کارشناسی ارشد معماری اسلامی با عنوان «طراحی مجموعه مسکونی در جهت تشخیص کالبدی از منظر اندیشه اسلامی در محله مقصودیه تبریز» با راهنمایی نگارنده دوم است.

\*\* نویسنده مسئول مکاتبات: p.hashempour@tabriziau.ac.ir

حق نشر متعلق به نویسنده(گان) است و نویسنده تحت مجوز Creative Commons Attribution License به مجله اجازه می‌دهد مقاله چاپ شده را با دیگران به اشتراک بگذارد منوط بر اینکه حقوق مؤلف اثر حفظ و به انتشار اولیه مقاله در این مجله اشاره شود.

## مقدمه

تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی در هر دوره دست خواهیم یافت که این شناسه‌ها الگوهای مناسبی جهت طراحی کالبدی متشخص درخانه‌های امروزی است. بنابراین ضرورت انجام تحقیق را می‌توان تحت موارد زیر برشمرد: اول این‌که، تشخیص از مؤلفه‌های اصلی کام‌یابی هر اثر است که دستیابی به مؤلفه‌های آن، ما را در ایجاد کالبدی ماندگار یاری می‌کند. دوم، خانه‌های تاریخی تبریز بخشی از هویت تاریخی منطقه محسوب می‌شوند، از این رو واجد شرایط و معیارهای ارزشمندی برای الگوبرداری از شیوه فضا‌سازی هستند. بر این اساس، این پژوهش در تلاش است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مؤلفه‌های تشخیص کالبدی خانه چیست؟  
 ۲. تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی محدوده‌ای از منطقه تاریخی فرهنگی تبریز چگونه است؟

### ۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که در مرحله اول به مطالعه متون مربوطه پرداخته و مؤلفه‌های تعریف کننده از دیدگاه اندیشمندان و فلاسفه شناسایی شده و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات و پیشینه موضوع، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است که از آن‌ها در تدوین موضوع و یافتن چارچوب نظری بهره جسته شده است. برای بررسی عوامل کالبدی تشخیص، عواملی که موجب تبیین و تعیین کالبدی و ساختار فضایی می‌شود، حائز اهمیت است. بنابراین، در این پژوهش جهت شناخت این مؤلفه از نظریه شولتز که به تبیین ساختارفضایی عوامل سازنده خانه می‌پردازد، بهره گرفته می‌شود. عوامل انسانی تشخیص با استفاده از متون و اسناد کتابخانه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله دوم با استفاده از مؤلفه‌های به دست آمده، تشخیص کالبدی نمونه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نمونه‌های مورد بررسی از محدوده‌ای از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز انتخاب شده که دلیل این انتخاب، وجود خانه‌های تاریخی

یکی از مؤلفه‌های اصلی کام‌یابی و ماندگاری هر اثری تشخیص آن است ( Hoseyni verdenja'ni et al. 2018, 28). تشخیص‌پردازی فرایند آگاهانه انتخاب و ایجاد ارتباط مطلوب برای یک محصول یا خدمت به منظور افزایش ارزش آن است (Mohammadhasani, 2013). به دنیا آوردن محوری مطلوب و بهینه یا ارجح و برخوردار از تشخیص و از هویتی که بر قلب ساختمان می‌نشیند و نه تنها بخش مکمل، بلکه سخن اصلی فضای معماری به شمار آید، تعیین کننده اصالت معماری می‌شود. ( Falā'maki, 2012:250) بنابراین جهت افزایش ارزش بناها و دستیابی به اصالت، کامیابی و ماندگاری بنا، به کارگیری عواملی مؤثر بر تشخیص کالبدی، اهمیت می‌یابد. خانه و معماری خانه، فراگیرترین و در عین حال اختصاصی‌ترین فضای زندگی انسان‌ها، همیشه چه در ایده و بیان کلامی و چه در عرصه خلق و ساخت برای معماران قابل توجه بوده است. (Agha'latifi, Hojat, 2018) پس خانه‌ها بیش از سایر بناها نیازمند دستیابی به کالبدی ارجح و ارزشمند هستند. خانه برای ساکنانش مرکز جهان است و برای محله‌اش شاخص‌ترین بنا در تحکیم بنا است (Moore 1974, 50). در واقع مجموعه خصوصیات و ویژگی‌های کالبدی خانه تأثیر عمده‌ای بر ساکنان خانه و محله دارد و مجموعه معانی که در فرهنگ تمدنی و تفکر و ایدئولوژی رایج است، بر روی فرم مادی و کالبد خانه تأثیر می‌گذارد ( Ilka et al 2015). خانه‌های تاریخی، بخش عمده بافت‌های شهرهای تاریخی ایران را تشکیل می‌دهند و مهم‌ترین مکان برای الگوبرداری از شیوه فضا‌سازی هستند. با نظر به این‌که تفاوت در اولویت دادن به تشخیص بناها بیشتر ریشه در ایدئولوژی و تفکر مردم، حاکمان و سازندگان دارد (Hamzenezha'd, Zarringhalam 2012)، تشخیص کالبدی در هر دوره‌ای نسبت به دوره بعدی خود متفاوت است. در ارزیابی تشخیص کالبدی خانه‌ها در دوره‌های مختلف ضمن دستیابی به سیر تحول تشخیص کالبدی و تفکر و ایدئولوژی مردم، حاکمان و سازندگان، به شناسه‌های مؤثر بر مؤلفه‌های

نمی‌بیند. به عنوان نمونه‌ای دیگر ذهبی (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان مسئله تشخیص از منظر خواجه طوسی و ملاصدرا، شیرازی، ملاک تشخیص را از نظر خواجه ماهیت و از نظر ملاصدرا، وجود نام برده است. در زمینه شهرسازی نیز مطالعات انجام شده قرابت زیادی با موضوع تحقیق ندارد. برای مثال محمدحسینی (۲۰۱۳) به مطالعه تشخیص‌پردازی شهر و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است. فیروزی و سجادیان (۲۰۱۷) شناسه‌های تشخیص‌بخش شهرسازی و برنامه‌ریزی را در شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند. حمزه‌نژاد و صیرفیان پور (۲۰۱۸) تشخیص عناصر شهر در ارسن شهری را در سبک‌های شهرسازی دوران اسلامی ایران بررسی کرده‌اند، که در این پژوهش تشخیص عناصر شهری در ارسن شهر به دو گونه تشخیص ضرورت‌گرا-کارکردگرا و زیباشناسی از هم قابل تفکیک است. در پژوهشی از حمزه‌نژاد و زرین‌قلم (۲۰۱۲) الگویابی تشخیص عناصر مذهبی در شهر مزارهای ایران به الگوی مزارمحور و الگوی مسجد محور تقسیم شده و روش ایجاد تشخیص در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. به رغم پژوهش‌های مذکور، پژوهش‌های تاریخی در باب تشخیص بیشتر معطوف به بررسی آن در بناهای مذهبی در ارسن شهری است و پژوهشگران به تشخیص کالبدی خانه‌ها که به عنوان زیر بنایی‌ترین مرتبه در سلسله مراتب الگوهای فضای شهری به ویژه بافت‌های تاریخی شهرها، مطرح بوده است، پرداختند. نوآوری این تحقیق با توجه به مواردی که مطرح شد، دستیابی به عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی است که بر این اساس مؤلفه‌های تأثیرگذار تشخیص کالبدی در خانه‌های تاریخی محدوده فرهنگ تاریخی تبریز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳. تشخیص

در لغت‌نامه دهخدا تشخیص، تعین یافتن و معین گردیدن، جدا و ممتاز شدن معنی شده است (Dehkhoda 1958). و در فرهنگ معین به معنی بزرگی یافتن، برجسته شدن، شخصیت و امتیاز آمده است (Mooin1999). تشخیص در دانشنامه جهان اسلام از معقولات فلسفی *Hadā' deā del*

حفاظت شده متعدد در این محدوده است. لازم به توضیح است اسناد مربوط به خانه‌های تاریخی مورد مطالعه، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی، مشاهده و عکس‌برداری به دست آمده است. در ادامه با روش مقایسه تطبیقی، تحولات تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی با توجه به مؤلفه‌های به دست آمده از مبانی نظری، مورد ارزیابی و تفسیر قرار گرفته است.

### ۲. پیشینه پژوهش

با جستجو در مطالعات انجام شده، تحقیقی که مشخصاً به بررسی تشخیص کالبدی خانه‌ها پرداخته باشد، یافت نشد، تنها در کتابی با عنوان خانه، فرهنگ، طبیعت از حائری مازندرانی (۲۰۰۸) به طور مختصر در یک پاراگراف از عوامل مختلفی که در ایجاد تمایز و تشخیص فضایی نقش دارند، چهار مورد: تنوع جلوه‌های معمارانه، تنوع مقیاس فضاها، تنوع بدنه‌ها، تنوع حرارت نام برده شده است. سایر مطالعات انجام شده در ارتباط با تشخیص در زمینه فلسفی و شهرسازی صورت گرفته است. گارسیا (۱۹۹۴) معتقد است که ورود این مسئله به جریان بحث‌های فلسفی از زمان بوئیسوسوس به بعد و در ارتباط با مسئله تثلیث و بعضی دیگر از مسائل کلامی مسیحیت آغاز شد. مسئله تشخیص در فلسفه اسلامی، قدمتی به اندازه تاریخ پیدایش فلسفه اسلامی دارد و بعد از طرح در آراء فارابی و ابن سینا، توسط شارحان فیلسوف و متکلم، از جمله خواجه نصرالدین طوسی و ایجی و شیخ اشراق پیگیری شد. ملاصدرا نیز به‌طور مفصل به این بحث پرداخته است. در مطالعات اخیر فلسفی، از ه‌ای (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان تشخیص در فلسفه صدرالمتألهین، تشخیص از دیدگاه اندیشمندان مختلف و نظر صدرالمتألهین بر اقوال اندیشمندان را مورد بررسی قرار داده است.

و سالم (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تبیین دیدگاه عبدالرزاق لاهیجی در باب اعتباری بودن تشخیص، معنای تشخیص و نحوه وجود تشخیص را مشخصاً در آرای لاهیجی بررسی کرده است و در نهایت در تعریف تشخیص و نحوه وجودی، فرقی بین آرای ملاصدرا و لاهیجی

نسبت داد وجود شیء است (Tabā tabā'yi 1996, 98). تشخیص از دیدگاه علامه جعفری در انواع مجرد و مادی به صورت زیر است: در انواع مجرد، تشخیص از لوازم نوع آنها است و هر نوع از انواع مجرد بیش از یک فرد نمی‌تواند داشته باشد. در انواع مادی، مانند: عنصریات (جماد، نبات، حیوان) تشخیص به وسیله اعراض است به ویژه مقوله مکان، زمان و وضع. به نظر علامه طباطبایی و معلم ثانی و ملاصدرا عامل تشخیص وجود است و بنابراین اعراض تشخیص دهنده، در واقع از همراهان و نشانه‌های تشخیص محسوب می‌شود (Tabā tabā'yi 2017). با نظر به اینکه ملاصدرا به طور مفصل در رابطه با تشخیص بحث کرده و رساله مستقلی نگاشته و تمامی فیلسوفان بعد از ملاصدرا از جمله لاهیجی، علامه طباطبایی و علامه جعفری موافق بر نظر ملاصدرا بوده‌اند، مطابق با جدول ۱ به بررسی نظرات صدرالمتألهین که بر اقوال فیلسوفان مختلفی که در این رابطه بحث کرده‌اند، پرداخته شده است. صدرالمتألهین پس از طرح مسئله و ذکر پاسخ خود اقوال دیگری را نقل و سعی می‌کند آنها را چنان تفسیر کند که با نظر او سازگار شود، و در غیر این صورت نادرستی آنها را نشان دهد (The same, 80).

(2002) و از جمله مسائل مربوط به متافیزیک است و ارسطو آن را در کتاب متافیزیک به طور گذرا مورد اشاره قرار داده است (Ezhei 1999, 77). به نظر عده‌ای، ارسطو ماده را اصل و منشأ تشخیص دانسته است و گروه دیگری صورت را به نظر وی اصل تشخیص دانسته‌اند (Hadā deā del 2002). مسئله تشخیص در فلسفه اسلامی، قدمتی به اندازه تاریخ پیدایش فلسفه اسلامی دارد و بعد از طرح در آراء فارابی و ابن سینا، توسط شارحان فیلسوف و متکلم، از جمله خواجه نصرالدین طوسی و ایجی پیگیری شد. شیخ اشراق و ملاصدرا نیز به این بحث پرداختند (Sā'lem 2017, 65). در میان فیلسوفان اسلامی ملاصدرا (صدرالدین شیرازی) بیش از دیگران به بحث و بررسی درباره تشخیص پرداخته و رساله مستقلی نیز در این باب نگاشته است. به نظر او منشأ و سبب تشخیص هر موجودی، نحوه خاص آن موجود است (Hadā deā del 2002). علامه طباطبایی نیز در باب تشخیص، رأی ملاصدرا را پذیرفته است و درباره اقوال دیگران معتقد است که آنها نیز خالی از حقیقت نیستند، جز اینکه در همه آنها تشخیص به سبب بعید نسبت داده شده است در حالی که سبب قریب تشخیص که در اصل باید تشخیص را به آن

جدول ۱: تشخیص از دیدگاه اندیشمندان مختلف و نظر صدرالمتألهین بر اقوال (ezhei 1997 and authors)

Table 1: individualition from the point of view of different thinkers and Sadr al-Mutallahin's opinion on sayings

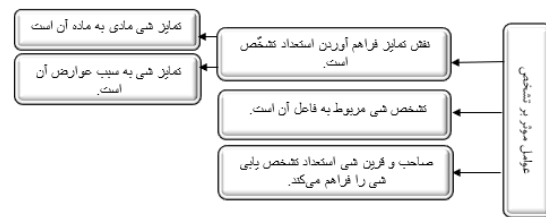
اندیشمندان	اقوال مختلف از تشخیص	تفسیر	نظر صدرالمتألهین بر قول	نتیجه
فارابی، ابن سینا و بهمینار	قول ۱: تشخیص شیء به سبب عوارض آن است.	طبق این نظر تشخیص شیء به اعراضی چون زمان و مکان و وضع است. اگر مجموعه صفات شیء نتواند تشخیص را توضیح دهد شاید بتوان گفت تشخیص شیء مربوط به اعراضی است که اشتراک ناپذیر هستند.	صدرالمتألهین می‌گوید در اینجا منظور از تشخیص تمیز است، یعنی منظور او این است که تمایز جواهر مادی به زمان و مکان است و نه آنکه این مورد موجب تشخیص آنها باشد.	تمایز شیء به سبب عوارض آن است. نقش تمایز فراهم آوردن استعداد تشخیص است.
	قول ۸: تشخیص شیء به سبب احوال ماده، زمان، مکان و وضع است.			
دوانی و سید سند	قول ۲: تشخیص شیء ناشی از نحوه علم به شیء است.	ادراک اگر از طریق عقل صورت پذیرد مدرک کلی است و اگر از طریق حس انجام شود جزئی و متشخص است.	قول دوم دارای ماهیت متفاوتی است. در حالی که سایر اقوال مسئله تشخیص را به اصطلاح از دیدگاه هستی‌شناختی مورد توجه قرار داده	-

	بودند، این نظر آن را از دیدگاه معرفت‌شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. و از نظر صدرالمآلهین مردود شمرده شده است.			
وجود	وجود	در سومین نظر، نظر شیخ اشراق تصریح شده است که آنچه مانع از شرکت شیء است همان هویت عینیه آن، یعنی وجود آن است.	قول ۳: تشخیص شیء مربوط به هویت عینیه آن است.	سهروردی
وجود	صدرالمآلهین می‌فرماید منظور این شخص از جزء تحلیلی همان وجود است.	قائل قول چهارم معتقد به اصاله ماهیه است، یعنی سید المدققین، گفته است که تشخیص شیء به جز تحلیلی آن است.	قول ۴: تشخیص شیء معلول جزء تحلیلی آن است.	نظریه بعضی مدققین
تشخیص شیء مربوط به فاعل آن است.	صدرالمآلهین اضافه فرمود این نظر بدین اعتبار صحیح است که "فعال شیء" به معنای "مفید وجود آن" است و چون وجود عین تشخیص است، پس مفید وجود شیء همان سبب تشخیص شیء است.	گاهی عللی بیرون از شیء طبیعی یا فوق طبیعی، سبب تشخیص شیء شمرده شده است. قول پنجم و ششم که در فوق از اسفار نقل شد، و طبق آن تشخیص شیء به سبب فعال آن است، از این قبیل است.	قول ۵: تشخیص شیء مربوط به فاعل آن است. قول ۶: تشخیص شیء مربوط به فاعل و مبدأ حقیقی اشیا یعنی خداوند است.	نظریه بعضی محققین
تمیز ماده به ماده آن است. نقش تمایز فراهم آوردن استعداد تشخیص است.	کسانی که می‌گویند تشخیص شیء مادی به ماده آن است منظور این است که تمیز آن به ماده آن است، نه تشخیص آن، زیرا هیولی نیز به سبب تصور یک امر کلی است.		قول ۷: تشخیص شیء به سبب ماده شیء است.	نظریه بعضی اهل علم - ارسطو و بسیاری از فلاسفه
پس صاحب و قرین شیء استعداد تشخیص‌یابی شیء را فراهم می‌کند.	از نظر صدرالمآلهین تشخیص و امتیاز با یکدیگر متفاوت هستند. چون تشخیص در هر شیء به خاطر خود آن شیء است، ولی امتیاز در شیء برای آن است که از مشارکات و همگنانش جدا شود. وی بعید نمی‌داند که امتیازها، شیء را مستعد نمایند تا اینکه تشخیص را بپذیرد. پس صاحب و قرین شیء استعداد تشخیص‌یابی شیء را فراهم می‌کند (Sabzevâri 1992, 106).		قول ۹: بالاخره اینکه امتیاز شیء به قرین و صاحب شیء است.	گفته فلاسفه

است، به عنوان مثال به فعال و یا حتی در موردی تشخیص شیء صرفاً به دارا بودن نسبت یا تعلق به چیز دیگر است (Ezhei 1999, 85). با توجه به مطالب فوق عوامل مؤثر بر تشخیص به قرار تصویر ۱ است:

خلاصه سخن اینکه وجود دارای مراتبی از نقص و کمال و فقر و غنا است. در بعضی از مراتب وجود تشخیص شیء به نفس ذات است، مانند تشخیص ذات باری و در بعضی از مراتب نازل‌تر وجود، مثلاً در مرتبه موالید ثلاث، تشخیص شیء به ماده آن است و در بین این دو مرتبه مراتب دیگری

**پ. صاحب و قرین شیء:** صاحب و قرین شیء استعداد تشخیص‌یابی شیء را فراهم می‌کند: در فرهنگ اسلامی چه بسا فضا و شکل، هویت خود را با انسان درون آن‌ها بیابد و محیط، با شخص، این همانی کند و نه وارون آن (Hojat 1998, 19). پس می‌توان نتیجه گرفت که کالبد، تشخیص خود را با انسان درون آن می‌یابد. ساکنان و صاحبان کالبد، استعداد تشخیص‌یابی آن را فراهم می‌کنند. باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته، عوامل متمایزکننده کالبد، معمار و ساکنان یا صاحبان از عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی هستند. مطابق با تصویر شماره ۲: عوامل متمایزکننده کالبد به دلیل نقش کالبدی در فراهم آوردن استعداد تشخیص، زیر مجموعه عوامل کالبدی است. دو عامل معمار، ساکنان یا صاحبان به دلیل نقش انسانی در فراهم آوردن استعداد تشخیص، در زیر مجموعه عوامل انسانی قرار گرفته است.



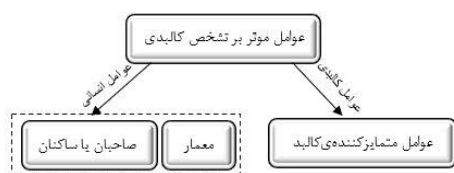
تصویر ۱: عوامل مؤثر بر تشخیص  
Fig.1: Factors affecting individuality

#### ۴. تشخیص کالبدی

بر اساس مباحث قبلی، عوامل مؤثر بر تشخیص شامل مواردی چون تمایز، فاعل و صاحب و قرین اشیاء است، جهت دستیابی به مؤلفه‌های تشخیص کالبدی، مؤلفه‌های ذکر شده در معماری مورد تفسیر و بحث قرار گرفته است. **الف. تمایز:** نقش تمایز، فراهم آوردن استعداد تشخیص است، از آنجایی که نقش تمایز ماده فراهم آوردن استعداد تشخیص مادی و ظاهری است پس می‌توان نتیجه گرفت که نقش تمایز کالبدی فراهم آوردن استعداد تشخیص کالبدی است.

همین تمایز است که اثر معماری را به عنوان ماهیت معماری از وجود معماری به عنوان جوهر جدا می‌کند و موجب امکان معماری به عنوان حقیقت منفک از اثر می‌شود و در ضمن آن را جاری در اثر معرفی می‌کند (Tājer 2004, 94). و همان‌گونه که ذکر شد اگر مجموعه صفات شیء نتواند تمایز کالبدی را توضیح دهد شاید بتوان گفت که تشخیص شیء مربوط به اعراضی است که اشتراک ناپذیر هستند.

**ب. فاعل شیء:** تشخیص شیء مربوط به فاعل آن است، همان‌گونه که خداوند با دمیدن روح خلاقه خود در جسم بی‌جان، آدمی را می‌آفریند، انسان نیز در مقام جانشین وی با دمیدن روح خلاقه خود در کالبد مواد خام و بی‌جان به آن‌ها زندگی می‌بخشد و بدین سان هنر از انسان زاییده می‌شود (Latifi and dāneshjou 2016, 5). با نظر به اینکه تشخیص شیء مربوط به فاعل و مبدأ حقیقی یعنی خداوند است، پس می‌توان نتیجه گرفت که تشخیص کالبدی مربوط به معمار آن است.



تصویر ۲: عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی  
Fig.2: Factors affecting physical individuality

**۴-۱. عوامل متمایزکننده کالبد:** صفات خاص فیزیکی محیط سبب ایجاد محیط خاص می‌شود و آن را از غیر، متمایز می‌کند. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است و در نحوه قرارگیری فضاها و طرز دسترسی به فضاها و در کاربری نیز باید وجود داشته باشد (Ghotbi 2008, 81). حائری مازندرانی در کتابی با عنوان خانه، فرهنگ، طبیعت، عوامل مختلفی را که در ایجاد تمایز و تشخیص فضایی نقش بسزایی دارند، چهار مورد زیر می‌داند: تنوع جلوه‌های معمارانه، تنوع مقیاس فضاها، تنوع بدنه‌ها و تنوع حرارت (Hāeri mazandarāni 2008).<sup>۱</sup> تنوع ایجاد شده باید مرتبط با فضا باشد نه تمایز در اثر تخصیص عملکردهای گوناگون

گونه‌شناسی کالبدی (فنون‌تایپ) که اساس مطالعاتی آن ظاهر و شکل کالبدی محسوب می‌شود و فاکتور آن برای طبقه‌بندی گونه‌ها، توده و فضا است استفاده شده است. نظام توده-فضا سرآغازی برای تبیین کالبدی است که زمینه‌ای برای ایجاد کالبدی متشخص است.

### ب- سیماشناسی

سیماشناسی یا مورفولوژی یا ریخت‌شناسی به "چگونگی" بناها مربوط است. ارتباط بنا با زمین و آسمان و گشودگی‌ها در سیماشناسی اهمیت دارد (Schultz 2002, 40). کارل کروف در مقاله "بافت شناسی و ویژگی‌های شهر" ریخت‌شناسی شهر را مطرح می‌کند. از نقطه نظر او سیماشناسی، عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل، تشخیص و هویت شهر را نشان می‌دهد (Karbalâyi nouri 2006, 373). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، سیماشناسی هریک از بناها عامل تشخیص و هویت است. در این پژوهش، برای بررسی سیماشناسی خانه‌ها، نماهای (دیوار، کف، سقف) فضای داخلی و نماهای خارجی (نما از معبر) و داخلی (نمای داخلی از حیاط) خانه مورد مطالعه قرار گرفته است. با کمک نماها و مقاطع می‌توان تنوع بدنه را که از مؤلفه‌های تشخیص کالبدی است (Hâeri mazandarâni 2008) مورد بررسی قرار داد. عواملی که موجب تنوع بدنه می‌شود شامل: تنوع بازشو و طاقنماها، تنوع نمای فضای داخلی و نمای داخلی و خارجی، تنوع در تراز طبقات، تزئینات، جزئیات و مصالح به کار رفته در دیوار، کف و سقف است.

### پ- موضع‌شناسی

موضع‌شناسی یا مکان‌شناسی از دیدگاه شولتز، بررسی خواص و امکانات فضای زنده یا واقعی به وسیله

به فضا. هر فضا می‌تواند پس از تعریف یافتن، از توان تمایز نیز برخوردار شود و به علاوه تنوع و تعریف هر دو می‌تواند در تحکیم یکدیگر و تشخیص بخشیدن هرچه بیشتر به فضا مؤثر باشد (The same, 106). برای شناخت تشخیص مکان، عواملی که موجب تبیین و تعیین کالبدی و ساختار فضایی می‌شود حائز اهمیت است. بنابراین، در این پژوهش جهت شناخت تشخیص کالبدی خانه از نظریه شولتز<sup>۲</sup>، که به تبیین ساختار فضایی عوامل سازنده خانه می‌پردازد، بهره گرفته می‌شود. شولتز به عنوان صاحب نظر در تفکر شناخت وجودی، در کتاب مفهوم سکونت، برای تبیین ساختار فضایی، عوامل سازنده آن‌ها را به سه دسته گونه‌شناسی (تیپولوژی)، سیماشناسی (مورفولوژی) و موضع‌شناسی (توپولوژی) تقسیم می‌کند (Schultz 2002). در این پژوهش دستیابی به مؤلفه‌های تشخیص کالبدی از طریق هویت تمایز یافته و تبیین فضایی عوامل سازنده خانه، در سه دسته گونه‌شناسی، سیماشناسی و موضع‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است.

### الف- گونه‌شناسی

نظریه شولتز نشان می‌دهد که نمایش شیوه‌های زندگی در سکونتگاه با وجود تعدد بی‌شمار، دارای اختلاف بنیادین نیستند که اسن موضوع در نظریه شولتز با عنوان گونه یا تیپ مطرح شده است (Schultz 2002). در فرایند گونه‌شناسانه، با بررسی مجموعه خصوصیات مورفولوژی یا شکلی و فضایی بناها و یافتن وجوه افتراق و اشتراک آنان، دسته‌بندی انجام خواهد شد (Pâsiyân khomri, Rajabali, and Ravande 2017, 191) صرف وجود اشتراکات در پدیده‌ها و به طور اخص در طرح‌های معماری بر تبعیت آن‌ها از الگویی مشخص دلالت ندارد، اما طبقه‌بندی نمونه‌ها بر اساس گونه‌ها می‌تواند بر شناسایی الگوها نیز کمک کند (Mirsajâdi and Farkish 2016, 73) در این پژوهش برای تعیین گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی، از دیدگاه



مکان مادی، رها می‌شود و اثری جاودانه پدید می‌آورد (Tâjer 2004, 110). خلاقیت معمار در ایجاد کالبدی متشخص حاصل تلاش‌های ذهنی و شخصی معمار است که، در تمام روند از اندیشه تا ساخت، حضور فعال داشته است و به کارگیری مؤلفه‌های تشخیص کالبدی در جایی که وی آفریننده اثری بوده است، سبب ایجاد کالبدی متشخص می‌شود.

**۴-۲-۱-۲. عوامل بیرونی مؤثر بر معمار:** همان‌گونه که بیان شد عوامل بیرونی ناشی از مجموع شرایط زمانی، مکانی هنرمند بر اثر هنری تأثیر می‌گذارد و با نظر به اینکه یکی از مهم‌ترین عوامل تشخیص مکان، شناسایی فرایند فرهنگی و رویدادهای مختلف مکان است (Zukin 1996). در بررسی تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی عوامل فرهنگی و اجتماعی و... اهمیت می‌یابد.

**۴-۲-۲. صاحبان یا ساکنان:** مخاطب نیز در دو حوزه با اثر هنری رابطه دارد: اولی شرایط فطری و نوعی و درونی مخاطب و دیگری شرایط کسبی، فردی و بیرونی مخاطب واقعیاتی است مبنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی و تجربیات و خاطرات مخاطب (Noghrekâr 2010, 153).

**۴-۲-۱-۲. عوامل درونی مؤثر بر صاحبان یا ساکنان:** یک اثر معماری با ایجاد قلمرو و عرصه‌های خصوصی و عمومی برای فرد به تدریج در فرایند ساکن شدن یا این همانی فرد با اثر، به بخشی از وجود فرد تبدیل می‌شود و نقشی مشابه اعضای بدن و یا نوع پوشش افراد به خود می‌گیرد (Soleymâni, E'tesâm, and Habib 2013, 25) به گونه‌ای که فضا و شکل، هویت خود را با انسان درون آن‌ها می‌یابد این روند، فراگیرترین دیدگاه درباره این مسئله در معماری خواهد بود که تأثیر مکین را در مکان فراموش نمی‌کند (Hojât 1998, 19). پس می‌توان نتیجه گرفت که تشخیص کالبد به بخشی از وجوه تشخیص فرد تبدیل می‌شود و کالبد، تشخیص خود را با انسان درون آن می‌یابد.

«تأکید کار طراح بر نظم و ویژگی‌های محیط و استفاده از اصول گشتالتی و هندسه» است که خواص مکان را چیزهای واقع در آن که صفات ویژه‌ای دارند، مشخص می‌کند (Pourmand, Mahmoudnezhâd, and Ranjâzmây 2010, 83). تمامی طول تاریخ از پلان‌ها برای رسیدن به اصول مقدماتی آرایش فضایی استفاده به عمل آمده است (Schultz 2002, 155). بنابراین تعیین و تشخیص هریک از فضاها و چگونگی پیوند دادن هریک از عناصر به وسیله پلان‌ها شکل می‌گیرد. با کمک پلان‌ها می‌توان مؤلفه‌های تشخیص کالبدی (که شامل: تنوع فضایی (باز، بسته، نیمه باز)، تنوع مقیاس، تنوع نور، تنوع حرارت (Hâeri mazandarâni 2008)، تنوع عملکرد و آرایش فضایی) را که سبب ایجاد تنوع جلوه‌های معماری می‌شود، در خانه‌های تاریخی مورد بررسی قرار داد.

**۴-۲. عوامل انسانی:** دومین شاخصه جهت تشخیص کالبدی، عوامل انسانی است. عوامل انسانی که در ارتباط با محیط اجتماعی و فرهنگی حاکم در دوره است در دو بخش معمار و ساکنان بنا قابل بررسی است.

**۴-۲-۱. معمار:** هنرمند در دو حوزه با اثر هنری خود رابطه دارد: اولی شرایط فطری و نوعی و درونی هنرمند به عنوان یک انسان، سرچشمه پایان‌ناپذیری است که او و اثر او را به سمت حقایق جاودانی و مراتب عالی‌تر وجود و زیبایی‌های برتر هدایت می‌کند. دیگری شرایط کسبی، فردی و بیرونی هنرمند واقعیاتی است ناشی از مجموع شرایط زمانی و مکانی و تجربیات و خاطرات هنرمند، که اثر او را برخوردار از تشخیص فردی و وابستگی‌ها می‌کند (Noghrekâr 2010, 153).

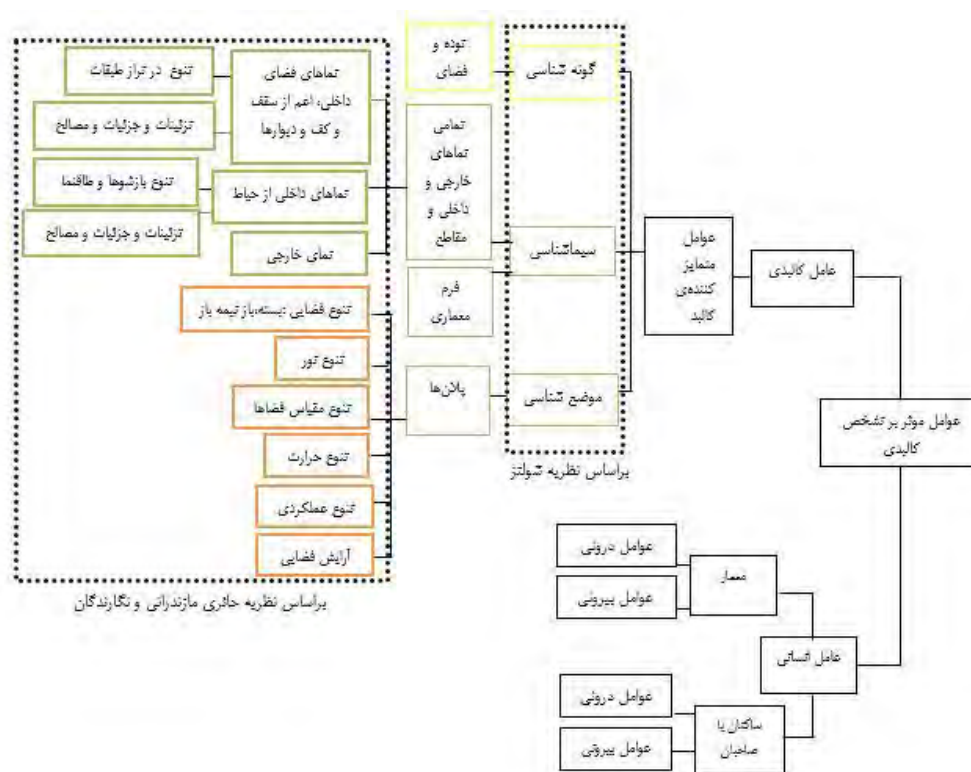
**۴-۲-۱-۱. عوامل درونی مؤثر بر معمار:** ابعاد وجودی انسان هر چه وسیع‌تر باشد، ابعاد وجودی آثار او نیز همانند معماری او وسیع‌تر و از چنبره زمان و حتی

#### ۴-۲-۱-۲. عوامل بیرونی مؤثر بر ساکنان یا

**صاحبان:** عوامل تاریخی و ساختار اجتماعی نقش مهمی را در منافع و علایق فرهنگی یک طبقه خاص بازی می‌کنند. بررسی‌های اجتماعی نشان داده که سبک فرهنگی که شامل نوع گرایش‌ها و علایق هنری است، اغلب به عنوان نشانه مناسب طبقاتی عمل می‌کند، به‌خصوص در میان طبقات بالا. فرهنگ و هنر برای گروه‌های اجتماعی تبدیل به موضوع مبارزه‌ای شده است که هدف غایی‌اش حفظ فواصل و تمایزات میان طبقات اجتماعی است (Bourdieu 2016). در این مورد شیوه مصرف است که ابژه مصرف را خلق می‌کند و محصولات کوچه بازاری را به آثار فرهنگی ممتاز و تشخیص‌بخش تبدیل می‌کند (The same, 386). در این مورد شیوه مصرف است که ابژه مصرف را خلق می‌کند و محصولات کوچه بازاری را به آثار فرهنگی ممتاز و تشخیص‌بخش تبدیل می‌کند (The same, 386). در این مورد شیوه مصرف است که ابژه مصرف را خلق می‌کند و محصولات کوچه بازاری را به آثار فرهنگی ممتاز و تشخیص‌بخش تبدیل می‌کند (The same, 386). در این مورد شیوه مصرف است که ابژه مصرف را خلق می‌کند و محصولات کوچه بازاری را به آثار فرهنگی ممتاز و تشخیص‌بخش تبدیل می‌کند (The same, 386).

پس با توجه به مبانی نظری، عوامل مؤثر بر تشخیص

کالبدی دو عامل کالبدی و انسانی است. عوامل متمایزکننده کالبد از عامل کالبدی براساس نظریه شولتز در سه بخش گونه‌شناسی، سیماشناسی و موضع‌شناسی به قرار تصویر ۳ است: در قسمت گونه‌شناسی این جدول، توده و فضای خانه‌ها معیار تقسیم‌بندی است. سیماشناسی بر پایه نماها و مقاطع و فرم معماری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش نماهای داخلی و خارجی، متغیرها بنا به نظریه حائری در قالب تنوع در تراز طبقات، تزئینات و جزئیات و مصالح، تنوع بازشوها و طاقنماها است و در موضع‌شناسی بر پایه پلان‌ها متغیرها بنا به نظریه حائری در قالب تنوع فضایی، تنوع نور و حرارت، تنوع مقیاس فضاها است و تنوع عملکرد و آرایش فضایی یکی از عوامل مهم در ایجاد تمایز کالبدی در مطالعه پلان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. دومین عامل مؤثر بر تشخیص کالبدی، عامل انسانی است که در دو بعد معمار و ساکنان یا صاحبان خانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد. دو عامل درونی و بیرونی مؤلفه معمار و ساکنان یا صاحبان خانه‌ها بر تشخیص کالبدی مؤثر است.



تصویر ۳: عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی در خانه‌ها

Fig.3: The final model of components affecting physical individualization

کتاب‌ها و منابع موجود و اداره میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی، اسامی و مشخصات حدود نه خانه تاریخی که قدمت آن‌ها به دوره قاجار و پهلوی اول می‌رسد، در محدوده مشخص شده مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۵. انتخاب نمونه‌های مورد پژوهش

نمونه‌های مورد پژوهش از محدوده تاریخی فرهنگی تبریز انتخاب شده است. دلیل انتخاب این ناحیه به‌عنوان نمونه مطالعاتی، وجود خانه‌های تاریخی حفاظت شده متعدد و در دسترس این محدوده است. بر اساس جست‌وجو در



تصویر ۴: محدوده مورد مطالعه از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز

Fig.4: The study area is from Tabriz historical and cultural area



تصویر ۵: خانه‌های تاریخی مورد بررسی

Fig.5: Historic houses under study

## ۱-۵. بررسی عوامل کالبدی در خانه‌های تاریخی مورد مطالعه

داده‌های تحقیق براساس مطالعات، مشاهده میدانی و عکس‌برداری در تصاویر ۴ و ۵ ارائه و تحلیل شده‌اند. در جدول ۲ خانه‌ها تجزیه و تحلیل و در نهایت در دو گونه اصلی دسته‌بندی شده‌اند. خانه‌های مربوط به دوره قاجار شامل: خانه بهنام، خانه فدکی، بخش شرقی گنجه‌ای‌زاده، خانه صدقیانی، خانه ختایی و خانه علی میسیو است. خانه‌های مربوط به پهلوی اول شامل: بخش غربی خانه گنجه‌ای‌زاده، خانه اردوبادی، خانه رستگار و خانه لاله‌ای

است. در این پژوهش، برای گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی، از دیدگاه گونه‌شناسی کالبدی (فوتوتایپ) که اساس مطالعاتی آن ظاهر و شکل کالبدی است و فاکتور آن برای طبقه‌بندی گونه‌ها، توده و فضا است، استفاده شده است. در خانه‌های تاریخی، بخش‌های توپر و صلب توده است و فاصله میان آن‌ها که شامل حیاط‌های کوچک و بزرگ است، فضا محسوب می‌شود. نظام توده-فضا سرآغازی بر تبیین مکان است (Falahat and Shahidi 2015).

جدول ۲: گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی محدوده منطقه ۸ تبریز

Table 2: Typology of historical houses in District 8 of Tabriz

نتیجه‌گیری	گونه‌شناسی							
	توده	فضا	ختایی	صدقیانی	علی میسیو	گنجه‌ای‌زاده	فدکی	بهنام
در خانه‌های قاجار توده‌ها، فضا را محصور کرده‌اند. به جز یک مورد خانه گنجه‌ای‌زاده که فضاهای حیاط اندرونی در طول زمان به‌عللی از بین رفته.								خانه‌های قاجاری
در خانه‌های پهلوی اول یک سمت توده و در سمت دیگر فضا قرار گرفته و یا توده به وسیله فضا محصور شده است.								خانه‌های پهلوی اول

سازماندهی فضایی نیست و از حجم بسته خانه تفکیک شده است.

سیماشناسی در دو گونه خانه قاجار و پهلوی اول براساس مؤلفه‌های به‌دست آمده در جدول شماره ۳ و ۵ به ترتیب زیر است.

موضع‌شناسی مطابق با فاکتورهای به‌دست آمده در جدول شماره ۴ و ۶ در دو گونه به صورت جداگانه بررسی شده است.

گونه ۱: باتوجه به تعاریف ذکر شده از توده و فضا در گونه یک، توده‌ها فضا را محصور کرده‌اند. این خانه‌ها متعلق به دوره قاجار هستند، اغلب از دو حیاط مختلف که با هم در ارتباط هستند تشکیل شده‌اند و حیاط توسط اتاق‌ها در یک یا دو طبقه محصور شده است.

گونه ۲: در این گونه یک سمت توده و در سمت دیگر فضا قرار گرفته و یا توده به وسیله فضا محصور شده است. این خانه‌ها متعلق به دوره پهلوی اول است، حیاط، دیگر عامل

جدول ۳: بررسی سیمانشناسی خانه‌های گونه یک (قاجاری)

Table 3: Investigation of the morphology of type one houses (Qajar)

نتیجه گیری	خانه ختایی	خانه صدقیانی	خانه علی میسیو	خانه گنجه‌ای-زاده	خانه قدکی	خانه بهنام	مولفه ها
نماهای داخلی اغلب دارای نقاشی، اروسی، قاب‌بندی، مستطیلی، طاقنما و کاربندی است.							تزئینات، جزئیات و مصالح نمای فضای داخلی
ارتفاع فضاها متفاوت، شاه نشین مرتفع تر، فرم سقف‌ها متنوع است.							تراز طبقات
بناهای اغلب دارای آجرکاری ظریف و پرکار و گچبری در سقف و ایوان و سرستون است و تزئیناتی چون مقرنس‌کاری و آینه‌کاری مشهود است.	آجرکاری زیبا در نما 	قاب‌بندی آجری بدنه‌ها، ستون‌ها و سرستون‌های گچبری در نما قابل توجه است. 	تزئینات گچی بالای پنجره‌ها که به شکل گل و چهره انسان است. وجود ستوری آجری در بالای پنجره‌ها است. 	در این بنا انواع فرم‌های طاق آجری در زیرزمین‌ها که از ترکیب آجر قرمز و آجر زرد تشکیل شده است در نوع خود کم نظیر است. 	نمای ساختمان دارای آجرکاری است. 	پنجره‌های طنبی و پنجره‌های اتاق‌های مشرف به طنبی دارای مشبک‌های ظریفی از چوب گردو است. 	تزئینات، جزئیات و مصالح نماهای دیواره‌های حیاط اندرونی و بیرونی


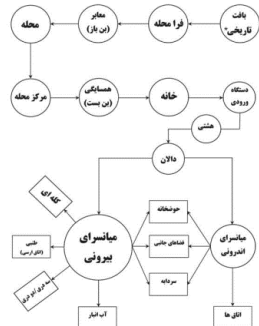
						جنوبی مقرنس - کاری است.	
تنوع بازشوها در نمای خارجی ساختمان از نظر اندازه، شکل و رنگ (اروسی یا ساده) مشهود است. بازشوهای کور به صورت قاب‌بندی مستطیلی و طاقما است.							بازشوها و طاقما
به دلیل وجود حیاط‌های متعدد فرم‌های متنوعی ایجاد شده است.							فرم معماری

جدول ۴: بررسی موضوع‌شناسی خانه‌های گونه یک (قاجاری)

Table4: Topological study of houses of type one (Qajar)

نتیجه‌گیری	خانه ختایی	خانه صدقیانی	خانه علی میسیو	خانه گنجه ای‌زاده	خانه فدکی	خانه بهنام	مولفه‌ها
تنوع فضایی به صورت فضاهای باز، بسته و نیمه باز است.							تنوع فضایی فضای باز فضای بسته فضای نیمه باز
فضاها از لحاظ نورگیری به صورت تاریک، پر نور و فضاها با نورگیری غیر مستقیم است. خانه‌های بررسی شده مشمول این تنوع نورگیری است.	طبقه زیرزمین 	طبقه زیرزمین طبقه اول 	طبقه همکف طبقه اول 	طبقه زیرزمین طبقه همکف 	طبقه همکف و بخشی از زیرزمین طبقه اول 	طبقه زیرزمین 	تنوع نور فضای تاریک فضای نیمه تاریک فضای روشن

	همکف طبقه اول 			طبقه اول 			نیمه روشن
تنوع مقیاس فضای کوچک فضای بزرگ فضای بینابین	تنوع مقیاس فضاها به صورت فضاهای کوچک (فضاهای خصوصی)، فضاهای بزرگ (عمومی) و فضای بینابین (به عنوان عامل اتصال عرصه عمومی از خصوصی و سلسله مراتب فضایی) است. خانه‌های مورد بررسی مشمول این تنوع مقیاس است.	طبقه زیرزمین 	طبقه همکف طبقه اول 	طبقه زیرزمین طبقه همکف طبقه اول 	طبقه همکف طبقه اول 	طبقه زیرزمین طبقه همکف طبقه اول 	
تنوع حرارت زمستان نشین تابستان نشین	تمامی فضاها زیر زمین در تابستان سرد و در زمستان گرم است. خانه‌ها دارای تابستان نشین و زمستان نشین است به جز دو مورد که قسمت تابستان نشین بنا در طول زمان بنا به دلایلی از بین رفته است. به دلیل قرار گیری فضاها بسته در جبهه‌های مختلف حیاط، هر کدام از فضاها از زاویه تابش متفاوت نور خورشید در طول روز و فصل‌ها برخوردار است و در نتیجه آن تنوع حرارتی در فضاها شکل می‌گیرد.	قسمت تابستان نشین بنا در طول زمان بنا به دلایلی از بین رفته است.	طبقه اول 	قسمت تابستان نشین بنا در طول زمان بنا به دلایلی از بین رفته است.	طبقه اول 	طبقه اول 	
تنوع عملکرد پلکان فضای جانبی ورودی اتاق، ۳ و ۲ در راهرو ایوان	عملکردهای موجود در این خانه‌ها شامل مواردی چون حوضخانه، کله-ای، سردابه، طنابی، حیاط، ایوان، راهرو، اتاق های سه در، دو در، ورودی، فضای جانبی و پلکان است.	طبقه زیرزمین طبقه اول 	طبقه همکف طبقه اول 	طبقه زیرزمین طبقه همکف طبقه اول 	طبقه همکف طبقه اول 	طبقه زیرزمین طبقه همکف طبقه اول 	


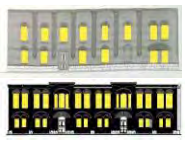
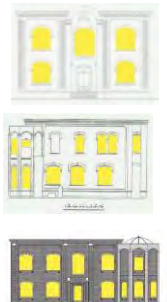

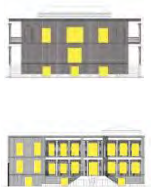

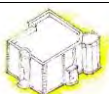


<p>طبقه اول</p> 						<p>حیات طنبی سردابه کله ای حوضخا ن</p>
<p>در تمامی این خانه‌ها، آرایش فضایی مشابه قابل مشاهده و ثبت است. اما تمایز و تنوع آشکاری نیز از نقطه نظر تعریف و ترکیب الگوها فضایی و تمایز حالت‌های فضایی در آن‌ها عیان است.</p>	 <p>(Esmaeli sangari and Omrâni 2014, 16)</p>					<p>آرایش فضایی</p>

جدول ۵: بررسی سیمانشناسی خانه‌های گونه دو (پهلوی اول)

Table5: Investigation of the morphology of two types of houses (first pahlavi)

نتیجه گیری	خانه رستگاری	خانه اردوبادی	خانه لاله‌ای	خانه گنجه‌ای-زاده	مؤلفه‌ها
<p>نمای داخلی طبقات ساده و بدون تزئینات است. نمای داخلی زیرزمین به صورت طاقبندی است.</p>	<p>دیوارهای زیرزمین آجری و تغلیسی است. سقف آن با طاق‌های گهواره‌ای متقاطع پوشیده شده است</p> 				<p>تزئینات، جزئیات و مصالح نمای فضاهای داخلی</p>
<p>ارتفاع تمامی فضاها یکسان، ارتفاع زیرزمین از سایر طبقات کمتر است.</p>					<p>تراز طبقات</p>
<p>بناها اغلب دارای آجرکاری پرکار و گچبری است.</p>	<p>طرح‌های متنوع آجری، قاب بندی، انعکاس تقسیم‌بندی‌های داخلی و طبقات با خطوط عمودی و افقی در نمای ساختمان</p> 	<p>نمای باشکوه آن با سردر رفیع آجرکاری زیبا و حجاری‌های</p> 	<p>ساختمان دارای دو طبقه با نمای آجری و بالکن‌هایی با ستون‌ها و سرستون‌های گچبری شده است. نمای</p> 	<p>نمای آجری پرکار بدنه‌های ساختمان قابل توجه است.</p> 	<p>تزئینات، جزئیات و مصالح نمای داخلی از حیاط</p>




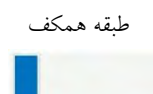
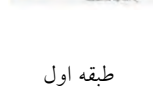



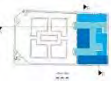

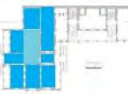


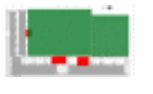





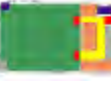




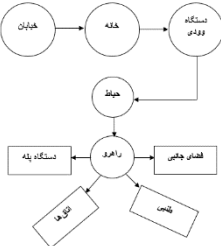


	یادآور هنر قالیبافی تبریزی است.	هنرمندانه خیره  کننده است.	ساختمان دارای قاب‌بندی‌های آجرکاری پرکاری است.		
بازشوها و طاقنما					بازشوها و طاق‌نماهای نمای ساختمان از نظر اندازه، شکل و رنگ (اروسی یا ساده) اغلب یکسان است.
فرم معماری					فرم‌ها ساده و یکپارچه است.

جدول ۶: بررسی موضوع شناسی خانه‌های گونه دو (پهلوی اول)

Table 6: Investigation of the topological of houses of the second species (first Pahlavi)

نتیجه‌گیری	خانه رستگاری	خانه اردوبادی	خانه لاله‌ای	خانه گنجه‌ای - زاده	مؤلفه‌ها
تنوع فضایی به صورت فضاهای باز، بسته و نیمه باز است.					تنوع فضایی ■ فضای باز ■ فضای بسته ■ فضای نیمه باز
فضاها از لحاظ نورگیری به صورت تاریک، پر نور و فضاها با نورگیری غیر مستقیم است. خانه‌های بررسی شده مشمول این تنوع نورگیری است.	طبقه زیرمین  طبقه همکف  طبقه اول 	طبقه زیرمین  طبقه همکف  طبقه اول 	طبقه همکف  طبقه اول 	طبقه زیرزمین  طبقه همکف  طبقه اول 	تنوع نور ■ فضای تاریک ■ فضای نیمه تاریک ■ فضای روشن ■ فضای نیمه روشن

					
<p>تنوع مقیاس فضاها به صورت فضاهای کوچک (فضاهای خصوصی)، فضاهای بزرگ (عمومی) و فضای بینابین (به عنوان عامل اتصال عرصه عمومی از خصوصی و سلسله مراتب فضایی) است. خانه‌های مورد بررسی مشمول این تنوع مقیاس است.</p>	<p>طبقه زیرزمین</p>  <p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>طبقه زیرزمین</p>  <p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>طبقه زیرزمین</p>  <p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>تنوع مقیاس</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>■ فضای کوچک</li> <li>■ فضای بزرگ</li> <li>■ فضای بینابین</li> </ul>
<p>تنوع حرارت فضاهای زیر زمین در تابستان سرد و در زمستان گرم است. فضای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین ندارد. در نمونه‌هایی که خانه به وسیله حیاط محصور شده است، تنوع حرارتی وجود دارد. فضاهای بسته از تابش متفاوت زاویه نور خورشید در طول روز و فصل‌ها برخوردار است و در نتیجه آن تنوع حرارتی در فضاها شکل می‌گیرد.</p>					
<p>عملکردهای موجود در این خانه‌ها شامل مواردی چون کلاه فرنگی، طنبی، حیاط، ایوان، راهرو، اتاق‌های دو دری و سه دری، ورودی، فضای جانبی و پلکان است.</p>	<p>طبقه زیرزمین</p>  <p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>طبقه زیرزمین</p>  <p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>طبقه زیرزمین</p>  <p>طبقه همکف</p>  <p>طبقه اول</p> 	<p>تنوع عملکرد</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>■ پلکان</li> <li>■ فضای جانبی</li> <li>■ ورودی</li> <li>■ اتاق، سه و دو</li> <li>■ راهرو</li> <li>■ ایوان</li> <li>■ حیاط</li> <li>■ طنبی</li> <li>■ کلاه فرنگی</li> </ul>
<p>در تمامی این خانه‌ها، آرایش فضایی مشابه قابل مشاهده و ثبت است. اما تمایز و تنوع آشکاری نیز از نقطه نظر تعریف و ترکیب الگوها فضایی و تمایز حالت‌های فضایی نیز در آن‌ها عیان است.</p>					<p>آرایش فضایی</p>

## ۲-۵. بررسی عوامل انسانی در خانه‌های تاریخی مورد مطالعه

### ۲-۵-۱. معمار:

**عوامل درونی مؤثر بر معمار:** در مؤلفه درونی به دلیل نبود منابع معتبر و اطلاعات کافی از معماران و سازندگان خانه‌های تاریخی مورد مطالعه قابل بررسی نیست. اما مجموعه اشاره‌های مطرح شده درباره معماران، دال بر آن است که این فن و هنر را در خانواده به طور موروثی می‌آموختند و آموزش‌ها از کودکی شروع می‌شده و جنبه عملی داشته است. در تمامی این خانه‌ها، الگوهای فضایی مشابه قابل مشاهده و ثبت است. اما تمایز و تنوع آشکاری نیز از نقطه نظر تعریف و ترکیب الگوهای فضایی و تمایز حالت‌های فضایی در آن‌ها عیان است. به این ترتیب به نظر می‌رسد که الگوهای فضایی اکتسابی بوده و خلاقیت هنگام تعریف مجدد این الگوها بروز می‌کرده است (Hâeri, 2008, 62). در خانه‌های تاریخی قاجار و پهلوی اول مورد پژوهش نیز همین امر صادق است و الگوی فضایی مشابه از آرایش فضایی حاکی از آن است که این فن و هنر را در خانواده به طور موروثی می‌آموختند و خلاقیت معمار در تعریف مجدد این الگوها متناسب با شرایط مکانی بروز کرده است.

**عوامل بیرونی مؤثر بر معمار:** در دوره قاجار و پهلوی اول به دلیل تحولاتی که در عرصه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی رخ داده، تفاوت‌های عمده‌ای در ارزش‌ها، تفکرات، گرایش‌ها و شیوه‌های معماری و شهرسازی پدیدار شده است. این تنوع و گوناگونی که تا حد زیادی تحت تأثیر تقابل سنت و تجدد در عرصه‌های مختلف شکل گرفته بود، بیش از همه در حوزه معماری عمارت‌های مسکونی نمود پیدا کرده است. این تفاوت‌ها در تمامی اجزای تشکیل دهنده یک خانه از بدو ورود تا سایر فضاهای داخلی رخ نموده است (Moshabaki, 2019, 27). esfahâni Moshabaki esfahâni 2019, 27) با مقایسه

معماری دوره قاجار و پهلوی اول همه چیز بر ما روشن می‌شود، وجوهی که هم جنبه اجتماعی دارند و هم از لحاظ تکنیکی دارای مشخصاتی هستند که بر معماری زمان تأثیر می‌گذارند (Bâvar 2008, 51). در دوره قاجار، علاوه بر معماری مذهبی که پیروی از معماری دوره صفوی بوده است، معماری درباری (کاخ، عمارت، خانه) نیز عوامل معماری ایرانی و اروپایی را در هم می‌آمیزد، که مهم‌ترین و شاخص‌ترین آن، معماری خانه‌های درباری و اربابی زیبا و مختلفی است که در این دوره به اوج زیبایی خود می‌رسد و یکی از رکن‌های اصیل معماری ایرانی را به نمایش گذارده است (Pirniâ 2007, 348). در دوره پهلوی آنچه به عنوان اثر معماری ساخته شده، احتیاجات عاجل و لازم رژیم جدید برای پاسخگویی به فضای حکومتی، اداری، عمومی و جز این‌ها بود، چیزهایی که نبودشان در شهرها به شدت احساس می‌شد (Bâvar 2008, 51). بنابراین بناهای بسیاری، خصوصاً ساختمان‌های عمومی متعدد، در این دوره ساخته شد، به شکلی که اقتدار و شکوه دوره جدید را نوید دهد (Ghobâdian 2015, 129). با نظر به فرایند فرهنگی و تاریخی دو گونه، تشخیص کالبدی در دوره پهلوی اول، در بناهای حکومتی، اداری و عمومی است و تشخیص کالبدی در بناهایی چون خانه، نسبت به دوره قاجار به شدت کاسته شده است.

### ۲-۵-۲. ساکنان یا صاحبان:

**عوامل درونی مؤثر بر ساکنان یا صاحبان:** دو عامل بیرونی و درونی بر ساکنان یا صاحبان خانه‌های تاریخی تأثیر می‌گذارد. در مؤلفه درونی به دلیل نبود منابع معتبر قابل بررسی نیست. اما نتایجی که از پرسش محلی در رابطه با مالکان و ساکنان خانه تاریخی دو گونه به دست آمد حاکی از آن است که مالکان و ساکنان، افرادی سرشناس از نقطه نظر اجتماعی و سیاسی زمان خود بودند و گواهی بر این ادعا است که صاحب و قرین شیء استعداد تشخیص‌یابی شیء را فراهم می‌کند.

**عوامل بیرونی مؤثر بر ساکنان یا صاحبان:** در دوره

اول تشخیص کالبدی در بناهای حکومتی و اداری و عمومی است و تشخیص کالبدی در بناهایی چون خانه نسبت به دوره قاجار به شدت کاسته شده است، جهت تشخیص - بخشی خانه‌ها از بناهای حکومتی و دولتی الگویابی می‌شد.

## ۶. مقایسه تطبیقی عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی در خانه‌های مورد مطالعه

مطابق با جدول ۷ عوامل کالبدی خانه‌های دو گونه قاجار و پهلوی اول از دو منظر سیماشناسی و موضع‌شناسی قابل بررسی است. تمامی مؤلفه‌های سیماشناسی تشخیص کالبدی گونه اول (خانه‌های دوره قاجار) نسبت به گونه دوم (خانه‌های دوره پهلوی اول) مشخص‌تر است. تنوع فضایی، عملکرد و آرایش فضایی فضاها در گونه‌های اول (خانه‌های دوره قاجار) بیشتر از گونه دوم (خانه‌های دوره پهلوی اول) است. مؤلفه‌هایی چون تنوع نور و مقیاس و حرارت در هر دو مورد تا حدودی یکسان است. در مجموع عوامل متمایزکننده کالبدی از تشخیص کالبدی خانه‌های قاجار بیشتر از نمونه پهلوی اول است. عوامل انسانی تشخیص کالبدی، که به دو مؤلفه معمار و ساکنان خانه‌ها تقسیم شدند در دو حوزه درونی و بیرونی قابل بررسی است که حوزه درونی معمار و ساکنان به دلیل نبود اطلاعات کافی قابل بررسی نیست، و در حوزه بیرونی به دلیل شرایط موجود تشخیص کالبدی خانه‌های قاجار بیشتر از نمونه پهلوی اول است.

قاجار ذهنیات جامعه معطوف به ساخت خانه‌های اربابی و زیبا است.

نمای خانه‌های قاجاری در ذهنیات افراد دخیل در شکل‌گیری آن (از جمله ساکنان یا صاحبان خانه)، محلی برای ظهور و بروز افکار، خواست‌ها، آمال و آرزوهای ضمنی آن‌ها است، به طوری که این موضوع از طریق به کار بستن نقوش، آرایه‌ها و جزئیاتی دلالت‌کننده بر چنین افکار و آرزوهایی محقق می‌شود (Jalâli Milâni et al. 2020, 179). این در حالی است که در سال‌های نخستین عصر پهلوی دولتمندان شاغل در ساخت خانه‌های خویش از بناهای دولتی تأثیر می‌گرفتند و دولتمندان عامی نیز از خانه‌های ثروتمندان شاغل متأثر می‌شدند. هم‌چنین معماری بی‌دولتان شهرنشین متأثر بود از نگرش افراد با تمکن مالی زیاد و کم که خانه‌ساز بودند یا تحت تأثیر دیدگاه و تصمیم دولت بودند (Zarkesh 2009). بنای حکومتی و دولتی در دوره پهلوی اول، مانند عمارت شهرداری و دانش‌سرا با توجه به تعدد فضاهای فعالیت آن‌ها و عدم امکان گسترش عمودی در طبقات به علت محدودیت سازه‌ای به صورت کشیده و خطی در یک محور یا محور طولی و عرضی طراحی شده‌اند و ورودی بناها با یک بیرون‌زدگی همراه بود که در برخی موارد یک ایوان ستوندار با تزئینات نئوکلاسیک به مجموعه ورودی اضافه می‌شد (Khojaste ghamari and Soltânzade 2020, 139) که ویژگی‌های ذکر شده در خانه‌های پهلوی اول مورد پژوهش قابل رؤیت است. با نظر به اینکه در دوره پهلوی

جدول ۷: مقایسه تطبیقی عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی در خانه‌های مورد مطالعه

Table 7 : Comparative Comparison of factors affecting physical individualition in Study houses

مقایسه تطبیقی گونه یک و دو	گونه دوم (دوره پهلوی اول)	گونه اول (دوره قاجار)	عوامل کالبدی (عوامل متمایزکننده کالبدی)	
			سیماشناسی	موضع‌شناسی
تنوع بازشو و طاقنماها از لحاظ اندازه، شکل و رنگ در گونه اول بیشتر از گونه دوم است.	بازشوها و طاقنماهای نمای خارجی ساختمان از نظر اندازه، شکل و رنگ یکسان است.	تنوع بازشوها در نمای خارجی ساختمان از نظر اندازه، شکل و رنگ (اروسی یا ساده) مشهود است. بازشوهای کور به صورت قاب‌بندی مستطیلی و طاق‌نما است.	بازشوها و طاقنماها	
تنوع تزئینات نمای داخلی در	نمای داخلی طبقات ساده و بدون تزئینات	نماهای داخلی اغلب دارای نقاشی،	نمای	

فضاهای داخلی	اروسی، قاب‌بندی مستطیلی، طاق‌ما و کاربندی است.	است. نمای داخلی زیرزمین به صورت طاق‌بندی است.	گونه اول بیشتر از گونه دوم است.
تراز طبقات	ارتفاع فضاها متفاوت، شاه‌نشین مرتفع-تر، فرم سقف‌ها متنوع است.	ارتفاع تمامی فضاها یکسان، ارتفاع زیرزمین از سایر طبقات کمتر است.	تنوع ارتفاع در گونه اول بیشتر از گونه دوم است.
تزئینات و جزئیات داخلی	بناها اغلب دارای آجرکاری ظریف و پرکار و گچ‌بری در سقف و ایوان و سرستون است. تزئیناتی چون مقرنس-کاری، آینه‌کاری مشهود است.	بناها اغلب دارای آجرکاری و گچ‌بری است.	تنوع تزئینات و جزئیات و مصالح به کار رفته در نمای داخلی گونه اول بیشتر از گونه دوم است.
نمای خارجی	در نمونه‌های مورد بررسی نمای خارجی خانه‌ها در طی زمان دستخوش تحولاتی بوده و یا به کل از بین رفته است.	در نمونه‌های مورد بررسی نمای خارجی خانه‌ها در طی زمان دستخوش تحولاتی بوده و یا به کل از بین رفته است.	این مؤلفه به دلیل نداشتن اطلاعات کافی قابل بررسی نبوده است.
فرم معماری	به دلیل وجود حیاط‌های متعدد فرم‌های متنوعی ایجاد شده است.	فرم‌ها در این‌گونه ساده و یکپارچه هستند.	فرم معماری در خانه‌های گونه دوم نسبت به گونه اول ساده‌تر است. بدیهی است که در گونه اول به دلیل فرم متنوع، فضاهای متمایزی ایجاد می‌شود.
تنوع فضایی	تنوع فضایی به صورت فضاهای باز، بسته و نیمه باز است. خانه‌ها عموماً از دوفضای باز (حیاط) که باهم در ارتباط هستند تشکیل شده‌اند و فضای بسته (اتاق‌ها) در یک یا دو طبقه، حیاط را محصور کرده‌اند.	تنوع فضایی به صورت فضاهای باز، بسته و نیمه باز است. حیاط دیگر نقش یک عنصر مرکزی به عنوان عامل سازماندهی‌کننده فضایی را ندارد. فضای باز (حیاط) در یک سمت بنا واقع شده یا فضای بسته توسط فضای باز محصور شده است.	تنوع فضایی گونه اول بیشتر از گونه دوم است.
تنوع نور	فضاها از لحاظ نورگیری به صورت تاریک، پر نور و فضاها با نورگیری غیر مستقیم شده مشمول این تنوع نورگیری است.	فضاها از لحاظ نورگیری به صورت تاریک، پر نور و فضاها با نورگیری غیر مستقیم است. خانه‌های بررسی شده مشمول این تنوع نورگیری است.	تنوع نور در دو گونه یکسان است.
تنوع مقیاس	تنوع مقیاس فضاها به صورت فضاهای کوچک (فضاهای خصوصی)، فضاهای بزرگ (عمومی) و فضای بینابین (به عنوان عامل اتصال عرصه عمومی از خصوصی و سلسله مراتب فضایی) است.	تنوع مقیاس فضاها به صورت فضاهای کوچک (فضاهای خصوصی)، فضاهای بزرگ (عمومی) و فضای بینابین (به عنوان عامل اتصال عرصه عمومی از خصوصی و سلسله مراتب فضایی) است.	تنوع مقیاس در دو گونه یکسان است.
تنوع	تمامی فضاهای زیر زمین در تابستان	فضاهای زیر زمین در تابستان سرد و در	تنوع حرارت در دو گونه تقریباً

موضوعه شناسی

			حرارت		
		سرد و در زمستان گرم است. خانه‌ها دارای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین است به جز دو مورد که قسمت تابستان‌نشین بنا در طول زمان بنا به دلایلی از بین رفته است. به دلیل قرار-گیری فضاهای بسته در جبهه‌های مختلف حیاط، هرکدام از فضاها از زاویه تابش متفاوت نور خورشید در طول روز و فصل‌ها برخوردار است و در نتیجه آن تنوع حرارتی در فضاها شکل می‌گیرد.			
		زمستان گرم است. فضای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین ندارد. در نمونه‌هایی که خانه به وسیله حیاط محصور شده است، تنوع حرارتی وجود دارد. فضاهای بسته از تابش متفاوت زاویه نور خورشید در طول روز و فصل‌ها برخوردار است و در نتیجه آن تنوع حرارتی در فضاها شکل می‌گیرد.	تنوع عملکرد		
		عملکردهای موجود در این خانه‌ها شامل مواردی چون کلاه فرنگی، طنبی، حیاط، ایوان، راهرو، اتاق‌های سه دری، دو دری و ورودی، فضای جانبی و پلکان است.			
		عملکرد در گونه اول در مواردی چون وجود حوضخانه، سردابه، کله‌ای از گونه دوم بیشتر است.	آرایش فضایی		
		سلسه مراتب ورود از معابر به خانه شامل فضاهایی چون محله، مرکز محله، بن بست است و برای دسترسی به فضاهای خصوصی خانه باید از فضاهایی چون هشتی، دالان، میانسرای بیرونی، دالان، میانسرای درونی عبور کرد.			
		مراتب ورود از معابر به خانه به صورت مستقیم است و برای دسترسی به فضاهای خصوصی خانه باید از فضاهایی چون حیاط و راهرو عبور کرد.	عوامل درونی		
		از معمار و یا سازندگان بخش‌های مختلف خانه‌ها اطلاع دقیقی در دسترس نیست.			
		این مؤلفه به دلیل نداشتن اطلاعات کافی قابل بررسی نبوده است.	عوامل بیرونی	معمار	عوامل انسانی
		با نظر به فرایند فرهنگی و تاریخی دو گونه، تشخیص کالبدی در دوره پهلوی اول، در خانه‌ها، نسبت به دوره قاجار به شدت کاسته شده است.			
		به دلیل شرایط حاکم در دوره پهلوی اول اهمیت خانه‌سازی در این دوره کاهش یافته است.	عوامل درونی		
		در دوره قاجار، علاوه بر معماری مذهبی که پیروی از معماری دوره صفوی بوده است، معماری درباری (کاخ، عمارت، خانه) اهمیت می‌یابد.			
		به دلیل نبود اطلاع از منابع معتبر قابل بررسی نیست.	عوامل درونی	سازندگان یا ساکنان	
		به دلیل نبود اطلاع از منابع معتبر قابل بررسی نیست.			

<p>ساکنان خانه‌ها در هر دوره به دنبال تشخیص بخشی بناها بودند ولی به علت شرایط حاکم در جامعه و تأثیر فرایندهای فرهنگی و اجتماعی تشخیص کالبدی در دوره پهلوی اول نسبت به دوره قاجار کاسته شده است.</p>	<p>به دلیل شرایط حاکم در جامعه ساکنان یا صاحبان خانه‌های دوره پهلوی اول جهت تشخیص بخشی به خانه‌ها از بناهای عمومی الگو می‌گرفتند.</p>	<p>ساکنان یا صاحبان خانه‌های دوره قاجاری به دلیل شرایط حاکم، اهمیت بیشتری به ساخت خانه می‌دهند.</p>	<p>عوامل بیرونی</p>	
---	---	---	---------------------	--

### نتیجه‌گیری

آرایش فضایی است. با بررسی مؤلفه‌های تشخیص کالبدی در محدوده مشخص شده، نتایج زیر حاصل شد: تمایز کالبدی از منظر سیماشناسی در دوره پهلوی اول نسبت به دوره قاجار کمتر شده است. از منظر موضع‌شناسی به جز مؤلفه‌هایی چون تنوع در مقیاس فضاها و تنوع نور و حرارت که تا حدودی در دو گونه برابر بوده، در بقیه مؤلفه‌ها نسبت به دوره قاجار کمتر شده است. در عوامل انسانی، دو عامل درونی و بیرونی مؤلفه معمار و ساکنان یا صاحبان خانه‌ها بر تشخیص کالبدی مؤثر است. به دلیل نبود اطلاعات در رابطه با معمار و ساکنان خانه‌های تاریخی مؤلفه درونی این دو قابل بررسی نیست و عوامل بیرونی مؤثر بر معمار و ساکنان که شامل شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر زمان قاجار و پهلوی است، دستخوش تغییرات بوده است. در مجموع با در نظر گرفتن تغییر و تحولات صورت گرفته توجه در دوره قاجار و پهلوی اول تأییدی بر این مدعا است که در مجموع تشخیص کالبدی خانه‌های تاریخی قاجار محدوده‌ای از منطقه تاریخی فرهنگی تبریز نسبت به خانه‌های پهلوی اول آن محدوده شفاف‌تر و متمایزتر است و می‌توان گفت سیر تحول خانه‌ها با کاهش عوامل تشخیص به سمت سادگی گرویده است.

مطالعه حاضر در پی یافتن عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی جهت بررسی آن در خانه‌های تاریخی محدوده‌ای از منطقه فرهنگی تاریخی تبریز بوده است. عوامل مؤثر بر تشخیص کالبدی به دو دسته عوامل کالبدی (عوامل متمایزکننده کالبد) و انسانی (معمار، ساکنان یا صاحبان) تقسیم شدند. عوامل متمایزکننده کالبد بر پایه نظریه شولتز از لحاظ گونه‌شناسی، سیماشناسی و موضع‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. با طبقه‌بندی نمونه‌های موردی بر اساس گونه‌شناسی توده و فضا، گونه‌های به دست آمده به دو گونه تاریخی قاجار و پهلوی اول تقسیم شد. در گونه اول که مربوط به دوره قاجار است توده‌ها فضا را محصور کرده‌اند. در گونه دوم که مربوط به دوره پهلوی اول است یک سمت توده و در سمت دیگر فضا قرار گرفته است و یا توده به وسیله فضا محصور شده است. عواملی که موجب تعیین و تمایز از لحاظ سیماشناسی می‌شود، شامل مؤلفه‌هایی چون تنوع فضاهای داخلی، اختلاف تراز طبقات، تزئینات، جزئیات، مصالح، تنوع بازشوها و تنوع طاقنماها در نماها و مقاطع و فرم معماری است. عواملی که موجب تعیین و تمایز از لحاظ موضع‌شناسی می‌شود، شامل مؤلفه‌هایی چون تنوع فضایی (باز و بسته و نیمه باز)، تنوع در نور، مقیاس، حرارت و عملکرد در پلان طبقات و

## پی‌نوشت‌ها

۱. حائری مازندرانی در کتاب با عنوان خانه، فرهنگ، طبیعت عوامل مختلف که در ایجاد تمایز و تشخیص فضایی نقش بسزایی دارند چهار مورد زیر می‌داند: -تنوع جلوه‌های معمارانه، تأمین نور از روزن، در، ارسی، چراغگاه و از سقف طرف دیگر، نور مستقیم از حیاط و انواع نورهای غیر مستقیم از حیاط و انواع نورهای غیر مستقیم از انواع سرپوشیده‌ها و بام. تنوع مقیاس فضاها شامل فضاهای بسیار کوچک، فضاهای بسیار بزرگ و فضاهای میانی و متوسط در گروه فضاهای باز، بسته و پوشیده. تنوع بدنه‌ها به عنوان تعریف کننده فضاهای باز، تعریف کننده فضاهای بسته از فضاهای بسته دیگر، تعریف کننده فضاهای بسته از فضاهای پوشیده و تعریف کننده فضاهای پوشیده تنوع نور شامل فضاهای کاملاً تاریک، فضاهایی که به تدریج روشن می‌شوند، فضاهای روشن، فضاهای کاملاً نورانی...

تنوع حرارت شامل اتاق‌هایی که فی نفسه خنک هستند، اتاق‌هایی که گرم هستند، اتاق‌هایی که کوران دارند (حائری مازندرانی، ۱۳۸۷: ۱۲).

## 2. Christian Norberg Schultz

### فهرست منابع

- آقالطیفی، آزاده، و عیسی حجت. ۱۳۹۷. بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. هنرهای زیبا. ۲۳: (۴): ۵۴-۴۱.
- ازه‌ای، محمد علی. ۱۳۷۸. تشخیص در فلسفه صدرالمتألهین. نامه فرهنگ. (۳۱): ۸۷-۷۶.
- اسمعیلی سنگری، حسین، و بهروز عمرانی. ۱۳۹۳. تاریخ و معماری خانه‌های تبریز قدیم. تبریز: نشر فروزش.
- ایلکا، شاهین، و بهروز منصوری، و سیدمحمدرضا نصیرسلامی، و سیدعلی اکبر صارمی. ۱۳۹۴. تبیین مفهوم مسکن و سکونت در رویکرد پدیدارشناسی و رهیافت پارادایم‌های فرهنگی زیستی، مدیریت شهری، ۱۴ (۳۹): ۱۶۵-۱۸۸.
- باور، سیروس. ۱۳۸۸. پیدایی معماری نو در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بورديو، پی‌یر. ۱۳۹۵. تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه حسن چاوشیان. چاپ چهارم، تهران: نشر ثالث.
- پاسیان خمیری، رضا، و حسن رجبعلی، و محمدرضا رونده. ۱۳۹۶. گونه‌شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجاریه تا معاصر. مطالعات معماری ایران. ۶ (۱۱): ۱۸۹-۲۰۵.
- پورمند، حسنعلی، و هادی محمودنژاد، و آذری رنج‌آزمای، و محمد مفهوم. ۱۳۸۹. مکان و تصویر ذهنی و مراتب آن در شهرسازی از دیدگاه «کریستن نوربری شولتز» در رویکرد پدیدارشناسی. مدیریت شهری. ۸ (۲۶): ۷۲-۷۹.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۶. سبک‌شناسی معماری ایران. تهران: غلامحسین معماریان.
- تاجر، سعیدعلی. ۱۳۸۳. حکمت وجودی معماری با تکیه بر آراء صدرالمتألهین. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه شهید بهشتی.
- جلالی میلانی، سمیه، و احد نژادابراهیمی، و حامد بی‌تی، و علی وندشعاری. ۱۳۹۹. فهم افکار و ذهنیات دخیل در شکل‌گیری جزئیات و آرایه‌های نمای خانه‌های قاجاری (بررسی موردی نمای خانه‌ی سرخه‌ای). فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی. ۵ (۱): ۱۶۵-۱۸۲.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۷. خانه، فرهنگ، طبیعت، در معماری ایران. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. حجت، مهدی. ۱۳۷۷. ادراک فضا، مجله رواق ۱: ۱۷-۲۷.
- حدادعادل، غلامعلی. ۱۳۸۱. دانشنامه جهان اسلام. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- حسینی وردنجانی، سید محسن، و سید جواد مرتضایی، و محمدرضا ترکی، و مریم صالحی نیا. ۱۳۹۷. تشخیص ادبی در دیدگاه ادیبان مسلمان. کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۹ (۱): ۲۷-۵۲.
- حمزه نژاد، مهدی، و فرزاد زرین قلم. ۱۳۹۱. الگویابی تشخیص عناصر مذهبی در شهر مزارهای ایران. فصل‌نامه آرمانشهر ۵ (۹): ۲۰۱-۲۱۶.
- حمزه نژاد، مهدی، و مصطفی صیرفیان پور. ۱۳۹۷. تشخیص عناصر شهر در ارسن شهری در سبک‌های شهرسازی دوران اسلامی ایران. پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۲۱): ۸۵-۱۰۲.



خجسته قمری، محمد امین، و حسین سلطانزاده. ۱۳۹۹. تأثیر معماری بناهای حکومتی و دولتی بر هویت شهر تبریز. مطالعات ملی. ۲۱ (۳): ۱۲۳-۱۵۰.

- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۳۷. لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- ذهبی، سیدعباس. ۱۳۹۲. مسئله تشخیص از منظر خواجه طوسی و ملاصدرای شیرازی. حکمت معاصر. ۴ (۲): ۸۱-۱۰۰.
- زهکش، افسانه. ۱۳۸۸. نقش و تأثیر عوامل دولتی در معماری بناهای خصوصی در دوره پهلوی اول. کتاب ماه هنر دی (۱۳۶): ۱۴-۲۵.
- سالم، مریم. ۱۳۹۶. تبیین دیدگاه عبدالرزاق لاهیجی در باب اعتباری بودن تشخیص. فلسفه و کلام اسلامی. ۵۰ (۱): ۶۳-۷۷.
- سبزواری، هادی. ه.ق ۱۴۱۳. شرح المنظومه. جلد فلسفه. تعلیق و تفسیر علامه حسن زاده آملی. تهران: نشر ناب.
- سلیمانی، محمدرضا، و ایرج اعتصام، و فرح حبیب. ۱۳۹۲. بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. هویت شهر. ۲۵ (۱۰): ۱۵-۲۶.
- شولتز، کریستن نوربری. ۱۳۸۱. مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی. ترجمه: امیر محمود یار احمد. تهران: آگه.
- طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۹۶. آموزش آسان فلسفه. ترجمه علی قنبریان. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض.
- طباطبائی، محمدحسین، و عباسعلی زارعی سبزواری. ۱۷ه.ق. نه‌ایه الحکمه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فلاح، محمدصادق و صمد شهیدی. ۱۳۹۴. نقش مفهوم توده-فضا در تبیین مکان معماری. باغ نظر. ۱۲ (۳۵): ۲۷-۳۸.
- فلامکی، محمد منصور. ۱۳۹۱. اصلها و خوانشهای معماری ایرانی. نشرفضا: تهران.
- فیروزی، محمدعلی، و مهیار سجادیان. ۱۳۹۶. مدخلی بر شناسه‌های تشخیص بخش شهرسازی و برنامه‌ریزی در شهرهای اسلامی. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم انداز زاگرس. ۹ (۳۴): ۲۲۳-۲۶۲.
- قبادیان، وحید. ۱۳۹۴. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: علم معمار و رویال.
- قطبی، علی اکبر. ۱۳۸۷. هویت و معماری امروز ایران. مجله آینه خیال. ۲ (۱۰): ۸۳-۸۷.
- کربلایی نوری، رضا، و فرانیه ریاحی دهکردی. ۱۳۸۶. مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- لطیفی، محمد، و خسرو دانشجو. ۱۳۹۵. آفرینش اثر معماری در نگاه به خلقت جهان آفرینش از دیدگاه قرآن. نقش جهان. ۲ (۶): ۱۵-۵.
- محمدحسینی، حسین. ۱۳۹۲. راهنمای طراحی شهری معطوف به تشخیص‌پردازی شهر اهداف تشخیص‌پردازی شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- معین، محمد. ۱۳۷۸. گزیده فرهنگ معین. تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه.
- میرسجادی، سید امیر، و هیرو فرکیش. ۱۳۹۵. ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تأثیرگذار در معماری خانه‌های تاریخی نیشابور جهت دستیابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۴ (۴): ۹۲-۷۲.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. مبانی نظری معماری. تهران: دانشگاه پیام نور.

## منابع انگلیسی

- Aghalatif, Azadeh. 2018. Impression of meaning of home from physical transformation in Contemporary Era of Tehran. Fine arts, 23 (4), 41-54. [In Persian]
- Bavar, Sirous. 2009. Emergence of new architecture in Iran. Tehran: Daftar-e pazuhezshaye farhangi. [In Persian]
- Bourdieu, Pierre. 2016. Distinction: a social critique of the judgement of taste. Translated by Hasan Chavoshiyan. Tehran: sales Publication. [In Persian]
- Dekhoda, Aliakbar. 1958. Dictionary. Tehran: Tehran University. [In Persian]
- Esmaeli Sangari, Hoseyn, and Behrouz Omrani. 2014. History and architecture of old Tabriz houses. Tabriz: nashr-e fourouzes. [In Persian]
- Ezhei, Mohamadali. 1999. Individualition in the philosophy of Sadr al-Mutallehin. Name farhang JOURNAL (31): 76-87. [In Persian]
- Falihat, Mohammad Sadegh, and Samad Shahidi. 2015. The Role of Mass - Space Concept in Explaining the Architectural Place. Baghnazar JOURNAL. 12 (35): 27-38. [In Persian]
- Falamaki, Mihammadmansour. 2012. Principles and readings of Iranian architecture. Nashre faza: Tehran. [In Persian]
- Firouzi, Mohamadali, and Mahyar Sajadiyan. 2017. An entry on the Individualitions of urban planning and planning in Islamic cities. Joghrafiya va barnamerizi shahri-e cheshm andaz-e zagros. 9 (34): 223-262. [In Persian]
- Ghobadiyan, Vahid. 2015. Stylistics and theoretical foundations in contemporary Iranian architecture. Tehran: Elm-e memar

- va royal. [In Persian]
- Ghotbi, Akiakbar. 2008. Identity and architecture of Iran today. *Ayne-e khiyal JOURNAL*. 2 (10): 83-87. [In Persian]
- Hadadeadel, Gholamali. 2002. Encyclopedia of the Islamic World. Tehran: Markaze daeratolmaarefe bozorge eslami. [In Persian]
- Haeri Mazandarani, Mohamadreza. 2008. Home, culture, nature, in Iranian architecture. Tehran: Markaze motaleatei va tahghighati shahrsazi va memari. [In Persian]
- Hamzenezhad, Mehdi, and Farzad Zaringalam. 2012. TYPOLOGY OF RECOGNIZING THE RELIGIOUS ELEMENTS IN IRANIAN TOWNS WITH A HOLY SHRINE. *Armanshahr*. 5(9): 201-216. [In Persian]
- Hamzenezhad, Mehdi, and Seirafianpour Mostafa. 2019. Recognition of urban elements in city centrehierarchy in the urbanism methods of Islamic period of Iran. *Pazhuheshye Memari Eslami*. 4 (21): 85-102. [In Persian]
- Hojat, Mehdi. 1998. Perception of space. *Revagh JOURNAL*. 1: 17-27. [In Persian]
- Hoseyni Verdejani, seyed Mohsen, and Seyed javad Mortezayi, and Mohamadreza Torki, and Maryam Salehi. 2018. Literary Individualition in the view of Muslim writers. *Pazhuheshgah olum ensani va motaleate farhangi*. 9 (1): 27-52. [In Persian]
- Ilka, Shahin, and Behrouz Mansouri, Seyed mohamadreza Nasirsalami, and Seyed Aliakbar Saremi. 2015. Phenomenological approach and the concept of living the cultural paradigm of life. *Modiriyat-e shahri*. 14 (39): 151-188.
- Jalali Milani, Somaye, and Ahad Nezhadebrahimi, and Hamed Beyti, and Ali Vandshoai. 2020. Grasping the Thoughts and Mentalities Involved in Shaping the Details and Ornaments of the Facades of Qajar Houses: Case Studyof Sorkheie House Façade. *Farhange memari va shahrsazi eslami JOURNAL*. 5 (1): 165-182. [In Persian]
- Karbalayi nouri, Reza, and Farane Riyahi Dehkordi. 2007. Collection of articles on the identity of new cities. Tehran: Sherkat-e omran-e shahrhay-e jadid. [In Persian]
- Khojaste Ghamari, Mohamadamin, and Hoseyn Soltanzade. 2020. The Impact of the Architecture of Government Buildings on the Identity of the City of Tabriz (The first Pahlavi period). *Motaleate melli JOURNAL*. 21 (3): 123-150. [In Persian]
- Lotfi, Mohamad, and Khosro daneshjou. 2016. Creation is an architectural work in the view of the creation of the world of creation from the perspective of the Qur'an. *Naghsge Jahan JOURNAL*. 2 (6): 5-15. [In Persian]
- Mirsajadi, Seyed Amir, and Hiro Farkesh. 2017. Assessment of Pattern and Effective Physical Factors in Neyshabur Historical Houses to Achieve Design Strategies and Models in Traditional Residential Tissue\*. *Pazhuhesh Haye Memari Eslami*. 4(4): 72-92. [In Persian]
- Moein, Mohamad. 1999. Excerpts from moein cultures. Tehran: Markaze farhagiye entesharate rayehe. [In Persian]
- Mohamadhasani, Hoseyn. 2013. Urban Design Guidance on city branging. M.sc Thesis. Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Moore, Charles. 1974. *The Place of HOUSE*, Holt Rinhart Winston.
- Noghrekar, Abdoljamid. 2010. *Theoretical Foundations of Architecture*. Tehran: Daneshgah payamnour. [In Persian]
- Pasiyan Khomri, Reza, and Hasan Rajabali, and Mohamadreza Ravande. 2017. Typology of Baluchistan mosques in Iran, from the Qajar period to the contemporary period. *Motaleate Memari Iran JOURNAL*. 6 (11): 189-205. [In Persian]
- Pirniya, Mohamad Karim. 2007. Iranian architectural stylistics. Tehran: Gholamhoseyn memariyan. [In Persian]
- Pourmand, Hasanali, and Hadi Mahmoudnezhad, and Mohamad Mafhoum. 2010. The meaning of "place" and "subjective imagination" in urban studies from the perspective of christen Schultz in phenomenological approach. *Modiriyate Shahri*. 8 (26): 72-79. [In Persian]
- Sabzevari, Hadi. 1992. *Sharhe almanzoume. Jelde Fasafi. Talig va tafsir-e Amoli*. Tehran: Nab publication. [In Persian]
- Salem, Maryam. 2017. ABD AL-RAZZAQ LAHIJI ON THE SUBJECTIVITY OF INDIVIDUALITY. *Falsafe va kalam-e eslami*. 50 (1): 63-77. [In Persian]
- Schultz, Christian Norberg. 2002. *The concept of habitation, towards allegorical architecture*. Translated by Amir Mahmoud Yarahmadi. Tehran: Agah. [In Persian]
- Soleymani, Mohamadreza, and Iraj Eitesam, and Farah Habib. 2013. THE RECOGNITION OF CONCEPT AND PRINCIPLES OF IDENTITY IN ARCHITECTURE. *Hoviate Shahr JOURNAL*. 25(10): 15-26. [In Persian]
- Tabatabayi, Mohamadhoseyn. 2017. *Easy teaching of philosophy*. Translated by Ali Ghanbariyan. Tehran: Moaseseye Farhangi honari novin pazhuhesh-e fayaz. [In Persian]
- Tabatabayi, Mohamadhoseyn, and Abasali Zarei Sabzevsri. 1996. *Ultimate wisdom*. Ghom: Moasey-e alnashr-e aleslami. [In Persian]
- Tajer, Saeedali. 2004. *Being wisdom of architecture relying on Mulasadre s doctrines*. Dissertation Ph. D Doctrate. Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Zenker, Sebastian, Braun, Erik. (2010). *The Place Brand Centre –A Conceptual Approach for Place Branding and Place Brand Managemant*. *Urban Studies Journal*. 3(39), 78-88.
- Zahabi, Seyed Abbas. 2013. The Problem of 'Individuality' in the Nasir al-Din Tūsi and Mulla Sadra's Approaches. *Hekmate Moaser JOURNAL*. 4 (2): 81-100. [In Persian]
- Zehkesh, Hadi. 2009. The role and influence of government factors in the architecture of private buildings in the first Pahlavi period. *Ketab-E Mah-E Honar-E Dey*. (136): 14-25. [In Persian]
- Zukin, Sharon. 1996. "The culture of cities." Cambridge: Blackwell.